

نگاهی آسیب‌شناسانه به مدیریت چالش‌های اعتقادی در جهان اسلام*

□ سید مجید ظهیری^۱

چکیده

اصل اختلاف‌های دینی و مذهبی در میان انسان‌ها و جوامع بشری امری است اجتناب‌ناپذیر، اما لزوم توجه به مدیریت این اختلاف‌ها نیز نباید انکار شود. مدیریت اختلاف‌های اعتقادی، چه صورت بین‌الادیانی و چه صورت بین‌المذهبی و چه صورت درون مذهبی آن، آن‌گاه که در سطح عالمان دینی و متخصصان مربوطه باشد، از نوع مدیریت‌های علمی (معرفتی) است. اما آن‌گاه که اختلاف‌های اعتقادی از سطح علما به سطوح مختلف عامه اجتماع سرایت کند، به عنوان یک وضعیت اجتماعی ویژه قلمداد می‌شود و مدیریت علمی (معرفتی) در این وضعیت کارآمدی ندارد؛ چرا که در این سطوح عواطف، احساسات، هیجان‌ها، بیم‌ها، امیدها و آرزوها و به طور کلی امور روان‌شناختی بر امور عقلانی غلبه دارد. طبیعی است که مدیریت اختلاف در این سطوح ویژگی‌های خاص دارد. یکی از مصادیقی که جهان اسلام را در هر دو سطح مذکور درگیر کرده است، جریان تکفیری است. در این مقاله به آسیب‌شناسی دو نوع مدیریت مواجهه علمی (معرفتی) و مواجهه اجتماعی با

این جریان پرداخته شده است و راه کارهایی که به مدیریت صحیح چالش‌های اعتقادی در هر دو سطح و برون‌رفت از وضعیت‌های آسیب‌زا کمک می‌کند برشمرده شده است.
واژگان کلیدی: چالش‌های اعتقادی، جریان تکفیری، مدیریت چالش‌های اعتقادی، جامعه اسلامی.

مقدمه

اصل ارسال رسل و بعثت انبیاء علیهم‌السلام و نزول ادیان برای وحدت اقوام و رفع اختلاف‌های اجتماعی بوده است. اسلام نیز در آموزه‌ها و معارف بی‌بدیل خود چنین هویتی دارد (ر.ک: عبدالمحمدی، ۱۳۹۱، ۹۳-۱۰۶). هر اختلافی مذموم نیست (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۶۳، ۱۷-۱۹) و البته اختلاف برداشت‌ها گاه ریشه‌های عمیق روش‌شناسانه دارد که باید به آنها توجه نمود (ر.ک: مشکوة‌الدینی، ۱۳۵۱، ۴۹۰-۵۴۶). اما حقیقت غیر قابل انکار این است که در طول تاریخ اسلام، به مرور اختلاف‌های اعتقادی شکل گرفت و حتی در مقاطعی اختلاف‌های اعتقادی لایه‌های علمی (معرفتی) را درنوردید و در سطوح متنوع اجتماع بروز و ظهور عینی پیدا کرد و حتی باعث تنش‌های جدی در جوامع اسلامی شد. «چیزی از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نگذشت که امت اسلام قطعه قطعه شد و به مذاهبی گوناگون منشعب گشت، هر مذهبی صاحب مذهب دیگر را تکفیر کرد و این بدبختی از زمان صحابه آن حضرت تا امروز ادامه دارد و هر زمانی که شخصی خیرخواه برخاست تا اختلاف بین این مذاهب را از بین ببرد، به جای از بین بردن اختلاف، و یک مذهب کردن دو مذهب، مذهب سومی به وجود آمد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۸۰).

اما فضای اجتماعی امروز جهان اسلام از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است، که به طور معنی‌دار و قابل ملاحظه‌ای آن را از مقاطع تاریخی گذشته ممتاز و متمایز نموده است. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات؛

۲. دسترسی آسان به شبکه‌های بی‌شمار دیداری و شنیداری؛

۳. گسترش سواد اطلاعاتی آحاد جامعه؛

۴. تولید روزافزون گروه‌های اجتماعی مجازی؛

۵. شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی دیجیتال تقریباً رایگان و در دسترس همه

طبقات اجتماعی؛

۶. دسترسی به میلیون‌ها صفحه وب تبلیغاتی اعتقادی و کتابخانه‌های دیجیتال

در هر لحظه از شبانه روز و در هر جا از این کره خاکی.

این‌ها از جمله عواملی هستند که وضعیت فعلی و مقطع تاریخی حاضر را به

شدت خاص نموده‌اند.

مسائل اعتقادی و آراء متخالف تا وقتی که در سطح معرفتی هستند و در

حوزه‌های علمی و نزد علمای مذاهب و فرق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند،

با گذرهای علمی و معرفت‌شناختی سر و کار داریم، اما وقتی همین مسائل به

سطح عموم جامعه و طبقات مختلف اجتماعی با سطوح مختلف علمی سرایت

نمود، در اغلب جاهایی که سطح معرفتی و آشنایی با مقدمات علمی وجود

ندارد، با گذرهای روان‌شناختی سر و کار داریم. خصلت و نقطه کانونی راه‌کار

مواجهه در سطح معرفتی، از سنخ علمی و معرفتی است. در این فضا مشکل، از

سنخ جهل و مغالطه و مشاغبه است، که پاسخ علمی می‌طلبند و مدیریت چنین

اختلاف‌های اعتقادی در فضاهای علمی، مختصات خود را دارد. اما خصلت

کانونی مشکل در سطوح آحاد جامعه، از سنخ روان‌شناختی است و در چنین

فضایی با عوامل روان‌شناختی همچون عواطف، احساسات، هیجان‌ها، بیم‌ها و

امیدها سر و کار داریم. اگر مواجهه و نحوه مدیریت ما در بعد اجتماعی بر مدار

خصلت معرفتی باشد، دچار خطای استراتژیک شده‌ایم. همچنین اگر مواجهه و

نحوه مدیریت ما در بعد علمی (معرفتی) بر مدار احساسات و عواطف و از سنخ

مدیریت سیاسی و اجتماعی باشد، باز دچار همین خطا شده‌ایم. اما این که در

چنین فضاهاى متنوعى چه روش‌هاىى بايد مد نظر باشد و راه‌كارهاى عملى مواجهه در اين ميادين چگونه بايد باشد، موضوعى است كه در اين مقاله به آن مى‌پردازيم.

چنين تنوع روشى در رهنمودهاى رهبر معظم انقلاب علیه السلام، آنگاه كه وظيفه مسلمانان براى مقابله با جريان تكفيرى را بر مى‌شمارند، ديده مى‌شود.

۱. تشكيل نهضت علمى از سوى علمائى مذاهب اسلامى براى ريشه‌كن كردن جريان تكفيرى؛

۲. تنظيم منشور وحدت اسلامى توسط علما و روشنفكران اسلامى؛

۳. روشنگرى نسبت به نقش سياست‌هاى استكبارى آمريكا و انگليس؛

۴. ارشاد گروه‌هاى تكفيرى؛

۵. اهتمام به قضيه فلسطين و قدس شريف و مسأله مسجدالاقصى؛

۶. حفظ اتحاد و دورى از بدبينى بين شيعه و سنى؛

۷. ايجاد وحدت بين مسلمانان بر محور وجود مقدس نبى مكرم صلی الله علیه و آله و سلم؛

۸. افزايش عوامل اقتدار در درون مسلمانان؛

۹. بدبين بودن به اسلام مطلوب واشينگتن، لندن و پاریس (خامنه‌اى، ۱۳۹۳).

توجه رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام به مؤلفه‌هاى معرفتى، نظير نهضت علمى و منشور وحدت، در کنار عوامل سياسى، جامعه‌شناختى و روان‌شناختى، نظير پرهيز از بدبينى درونى و در عين حال توصيه به بدبينى بيرونى و نيز مؤلفه‌هاى اقتدار و وحدت، روشن‌گر توجه ايشان به تنوع راه‌كارهاى مديریت اين چالش اعتقادى در جهان اسلام است. حال بر ماست كه براى مديریت اين چالش‌هاى اعتقادى، كه اينك تبديل به چالش‌ها و بحران‌هاى اجتماعى نيز شده است، با توجه به رهنمودهاى معظم له، با تفكيك مقام‌هاى مختلف مواجهه، به نحوى روش‌مند و ظايف اقشار مختلف جامعه را در اين روياروىى، به طورى كه مكمل و متمم هم باشند، تنظيم نماييم.

آسیب‌شناسی مواجهه با جریان تکفیری

در این که جریان تکفیری در جهان اسلام ابزاری در دست نظام سلطه جهانی و دشمنان اسلام است، شکی نیست، و شواهد خدمت جریان تکفیری به استکبار در فرمایشات رهبر معظم انقلاب^{علیه السلام} بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

شاخص‌های این موضوع در فرمایشات معظم له عبارتند از:

۱. منحرف کردن حرکت بیداری اسلامی؛
۲. سازش پشتیبان‌های جریان تکفیری با رژیم صهیونیستی برای جنگ با مسلمان‌ها؛
۳. ویران شدن زیرساخت‌های کشورهای اسلامی با تحرکات جریان تکفیری؛
۴. مخدوش کردن چهره اسلام در دنیا؛
۵. تنها گذاشتن محور مقاومت در مقابله با صهیونیست‌ها؛
۶. منحرف کردن شور و حماسه جوانان مسلمان در سراسر دنیای اسلام؛
۷. اخذ پشتیبانی تسلیحاتی از دشمنان اسلام، به ویژه آمریکا؛
۸. ایجاد جنگ شیعه و سنی به جای همکاری با برادران مسلمان؛
۹. تبدیل معادله جهاد و مقاومت، به تکفیر و ترور فرزندان اسلام (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

اما این که بدانیم این جریان، جریانی انحرافی است و در پس پرده فعالیت‌های آن، دسیسه‌های استکباری نهفته است، یک موضوع است و شناخت دقیق این جریان و شعب و فروع آن مسأله‌ای دیگر است و این دومی نیز بسیار مهم بوده و در هر گونه تصمیم‌گیری راهبردی در مواجهه با این جریان انحرافی، چه در حال و چه در آینده، مؤثر است.

یک آسیب مهم در مواجهه با جریان تکفیری عدم تفکیک صحیح دو رویکرد است:

۱. رویکرد علمی و معرفتی؛

۲. رویکرد غیر معرفتی.

ریشه‌های اندیشه‌های تکفیری موارد ذیل شمرده شده‌اند:

۱. ریشه‌های حدیثی (شامل جعل احادیث دروغین، کج‌اندیشی در برداشت از احادیث، عدم توجه به مراتب کفر در احادیث و...)
 ۲. ریشه‌های کلامی (همچون مبانی فکری و اعتقادی برخی جریان‌های افراطی که هرگونه مخالفت با مبانی فکری خود را خروج از دین تلقی می‌کنند)؛
 ۳. ریشه‌های سیاسی (تلاش قدرت‌های سلطه‌گر بر ایجاد و دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی در جهان اسلام بر کسی پوشیده نیست)؛
 ۴. ریشه‌های اخلاقی (همچون عصبیت و کینه‌های جاهلی و بی‌رحمی و قساوت قلب در انجام هر جنایت غیر انسانی) (فخلعی، ۱۳۹۲، ۱۸-۱۵).
- چنانچه پیداست، دو مورد اول، مؤلفه‌های معرفتی و دو مورد دوم، مؤلفه‌های غیر معرفتی هستند.^۱ برخی عامل جهل را هم به ریشه‌های فوق افزوده‌اند (فخلعی، ۱۳۹۲، ۱۹)، که به باور نگارنده، عامل جهل در ذیل دو ریشه اول، که معرفتی هستند، قرار می‌گیرد.
- یک آسیب مهم دیگر تمرکز بر جنبه‌های سلبی مواجهه و غفلت از جنبه‌های ایجابی در مدیریت این چالش‌هاست. توجه به جنبه‌های ایجابی، در صورت اعمال مدیریت صحیح، می‌تواند تهدیدها را برای ما تبدیل به فرصت نماید.
- منظور از جنبه‌های ایجابی چیست؟ می‌دانیم که شیعه میراث‌دار دریای بی‌کران معارف غنی اهل بیت علیهم‌السلام است. این میراث در دو سطح و با دو شکل می‌تواند در مدیریت چالش‌های پیش‌گفته مؤثر باشد:
۱. ترویج معارف خردپسند اهل بیت علیهم‌السلام در سطح مواجهه علمی (معرفتی)؛
 ۲. ترویج فرهنگ دل‌پسند اهل بیت علیهم‌السلام در سطح مواجهه اجتماعی.
- توجه به تفکیک معارف از فرهنگ و تبدیل معارف به فرهنگ از نکات ظریف و بسیار مهم در اثربخشی جنبه‌های ایجابی مدیریت چالش‌های اعتقادی

است.

اینک به تفکیک، به آسیب‌شناسی مدیریت چالش‌های اعتقادی جریان تکفیری در سطوح معرفتی و غیر معرفتی می‌پردازیم.

(۹۲)

آسیب‌شناسی رویکرد معرفتی

هم‌اکنون در دانشگاه‌های معتبر آمریکا و اروپا کرسی‌های شیعه‌شناسی متعددی وجود دارد و بسیاری از تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و آینده‌نگری‌های علمی، فرهنگی و سیاسی بر پایه همین شناخت‌های آکادمیک صورت می‌پذیرد. اما به دلیل فقدان چنین رویکرد علمی منظم و منضبط به چالش‌های اعتقادی، شناخت کنونی آکادمی‌ها و نهادهای مسؤل کشور ما از این چالش‌ها، دچار چهار آسیب است:

۱. شتاب‌زدگی؛

۲. پراکندگی اطلاعات؛

۳. کلی بودن اطلاعات؛

۴. تنوع و تعارض مراجع اطلاعاتی.^۲

در صورتی که شرط لازم هر نوع مواجهه علمی، فرهنگی و سیاسی با این گروه‌ها، تدارک اطلاعات منظم و به روز، در فضایی آرام و به دور از هرگونه آشوب فکری است. در یک مواجهه معرفتی صحیح و منضبط باید در صدد پاسخ‌گویی به این مسأله پیچیده و مرکب (Complex) باشیم که «چگونه می‌توان به طرحی مدون و نقشه‌ای جامع از نظام موضوعات و مسائل اعتقادی گروه‌های تکفیری دست یافت؟». در این راستا گردآوری و طبقه‌بندی و تنسيق اندیشه‌های گروه‌های متنوع تکفیری و مقایسه آنها با یکدیگر و در نهایت تولید نمایه‌ای منسجم از موضوعات و مسائل آنها در قالب شبکه‌ای که قابلیت به روز رسانی و رصد مداوم با تأکید بر نگره‌های آینده پژوهانه داشته باشد، از مراحل اصلی این مواجهه معرفتی می‌باشد. در این مواجهه باید به مبانی انسان‌شناسی،

معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و جهان‌شناسی آنها توجه ویژه داشت. هدف این نوع مواجهه، امر ضروری شناخت شبکه اعتقادی گروه‌های تکفیری با ویژگی‌های ذیل است:

۱. شناخت منظم و مترتب (ایجاد امکان توجه به ترتیب موضوعات و مسائل)؛
۲. شناخت متمرکز و مرتبط (ایجاد امکان شناخت متمرکز موضوعات و مسائل یک گروه و شناخت موضوعات و مسائل اعتقادی یک گروه در نسبت با گروه دیگر و نیز در شبکه ارتباطی گروه‌های متنوع)؛
۳. شناخت به روز (ایجاد امکان به روز رسانی نقشه و شبکه).

دستاوردهای این نوع مواجهه معرفتی عبارت است از پایه‌ای‌ترین اطلاعات برای مسئولین علمی، فرهنگی و سیاسی کشور برای طبقه‌بندی صحیح گروه‌های تکفیری و طراحی نقشه جامع چند وجهی برای این گروه‌ها، که لازمه تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و آینده‌نگرانه در خصوص نحوه رویارویی با آنها می‌باشد. چنین امری با ویژگی‌های فوق در حال حاضر در جهان اسلام متولی خاصی ندارد و این نوع مواجهه می‌تواند رافع نیاز و پاسخ‌گوی ضرورت مذکور برای همه نهادهای درگیر با مسأله گروه‌های تکفیری باشد.

اما چنانچه بیشتر متذکر شدیم، به هیچ وجه نباید از جنبه‌ایجابی مواجهه در مدیریت چالش‌های اعتقادی در سطح علمی (معرفتی) غفلت نماییم. جنبه‌ایجابی همانا نشر معارف ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

۱. شناخت الگوی صحیح منطق گفتگوی اهل‌بیت علیهم‌السلام و تبلیغ و ترویج آن؛
۲. شناخت مسائل و چالش‌های اعتقادی عصر اهل‌بیت علیهم‌السلام و دسته‌بندی پاسخ‌های ایشان و بررسی وجوه شباهت مسائل آن دوران با مسائل امروز و پیش روی و زنده نگه داشتن معارف ایشان از سه طریق ذیل:

- تبیین خردپسندانه پاسخ‌ها از لسان اهل‌بیت علیهم‌السلام، در مسائل تکراری؛
- بروزرسانی پاسخ‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به مسائل شبیه به مسائل امروزی، متناسب

با مقتضیات عصری؛

- جستجو در معارف اهل بیت علیهم السلام برای یافتن پاسخ‌های خردپسند به شبهات مستحده در چالش‌های اعتقادی.

﴿۹۵﴾

۳. تبیین خردپسند معارف اهل بیت علیهم السلام در حوزه‌های مختلف خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، فرجام‌شناسی و...

آسیب‌شناسی مواجهه غیر معرفتی

عوامل و مؤلفه‌های غیر معرفتی به کارگیری شده توسط جریان تکفیری در فضای اجتماعی خاص خودشان عبارت است از:

۱. ایجاد و تقویت هویت بسته گروهی و فرقه‌ای؛^۳
۲. تأکید بر ازدیاد نسل برای تغییر ترکیب اجتماعی و برون رفت از اقلیت بودگی کمی؛
۳. استفاده از اهرم‌های روان‌شناختی تهدید و ارباب برادران و خواهران جامعه اهل سنت؛

۴. ایجاد بسترهای اقتصادی مناسب برای توسعه گروهی کیفی؛

۵. تملیک اراضی برای توسعه جغرافیایی گروهی و فرقه‌ای.

خصلت کانونی راه کار مقابله با سیاست‌های تهاجمی از قبیل فوق، دیگر معرفتی نیست. مشکل و مسأله کانونی در چنین فضا و میدانی جهل و مغالطه نیست که پاسخ برهانی بطلبد. فضا در این شرایط از سنخ دیگری است و لذا راه کار مواجهه با این شرایط نیز باید متناسب با همین میدان باشد. راه کارهای مناسب از قبیل ذیل هستند:

۱. اصلاح قوانین موجود و تقنین قوانین جدید به گونه‌ای که مانع توسعه

توطئه‌آمیز جغرافیایی جریان‌های تکفیری در کشور شود.

۲. تبلیغ و ترویج جدی دو نکته مهم:

- «جریان تکفیری مساوی با تسنن نیست»؛

- «جریان تکفیری فقط در تقابل با تشیع نیست».

۳. تلاش برای تثبیت هویت اهل سنت معتدل با امتیازات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی (از قبیل کمک به تأمین معیشت، اشتغال، ازدواج، خدمت نظام وظیفه و سایر تسهیلات اجتماعی، از قبیل تشویق به راه‌اندازی مؤسسات، مدارس، انجمن‌ها و گروه‌های حقیقی و مجازی در فضای دیجیتال)؛

۱. بزرگداشت علمای اهل سنت متعادل و استفاده از ایشان در نقد جریان‌های افراطی سلفی و تکفیری در مناطق سنی نشین.

۲. وحدت شیعه و پرهیز از هرگونه عملکردی که هویت یکپارچه شیعه را دچار خدشه نماید.

به دلیل اهمیت فوق‌العاده مورد اخیر، به شرح و بسط بیشتر آن می‌پردازیم.

سیاست وحدت شیعه و شیعه راه‌کاری برای مواجهه اجتماعی با جریان‌های تکفیری

شیعه در اصل خود، یعنی روش و منش علوی علیه السلام، نه تنها منادی تفرقه میان مسلمین نبوده، بلکه تمام تلاش مولای متقیان علی علیه السلام وحدت مسلمین بوده است (ر.ک: خومحمدی، ۱۳۸۵، ۴۱-۶۷). اما متأسفانه اختلاف برداشت‌های عقیدتی در درون خود شیعه و رفتار برخی طرفداران نحله‌های فکری کلامی، فلسفی و عرفانی درون مذهب شیعه، در شرف تبدیل شدن به عاملی مؤثر در ایجاد گسست‌های عمیق اجتماعی و ایجاد خدشه بر هویت یکپارچه شیعه است.^۴ این اختلاف از مصادیق اختلاف مذموم است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۶۳، ۱۷-۱۹). بی‌تردید هر یک از نحله‌های فکری کلامی، فلسفی و عرفانی شیعه برای خود و در درون خود طرفدارانی دارد؛ همچنین بسیاری از طرفداران ایشان عموم جامعه هستند و برخوردهای دو گروه متخالف در سطح عوام منجر به بی‌مهری و احساس جدایی هویتی و از خود ندانستن گروه مخالف می‌شود. استاد مطهری رحمته الله علیه می‌فرماید: «هر زمان که پیشوایان مذهبی مردم - که مردم در هر حال آنها را

نماینده واقعی مذهب تصور می کنند - پوست پلنگ می پوشند و دندان بیر نشان می دهند و متوسل به تکفیر و تفسیق می شوند، مخصوصاً هنگامی که اغراض خصوصی به این صورت درمی آید، بزرگ ترین ضربت بر پیکر دین و مذهب وارد می شود» (مطهری، الف، ۱۳۷۵، ۴۹۱).

پدیده اختلاف میان انسان ها به طور طبیعی امری بدیهی است و هیچ دو انسانی یافت نمی شوند که در جمیع ساحات باورها، عواطف و اراده ها یکسان باشند و مسلماً همین تفاوت روشن و بدیهی سر منشأ اختلافات عقیدتی، احساسی و خواستی می شود و این اختلاف می تواند در تمامی عرصه های فردی و اجتماعی به نوعی منشأ اثر باشد. این ریشه روان شناختی اختلاف در میان انسان هاست و همواره بوده، هست و خواهد بود، اما باید به وسیله ابزارهایی و در چارچوب معقولی در سطح اجتماع مدیریت و کنترل (ضبط و مهار) شود.

چنانچه پیش تر اشاره شد، در دنیای مدرن و فرامدرن با توجه به مؤلفه های خاص ارتباطی و اطلاعاتی، آدمیان می توانند به سادگی عقاید خود را اظهار کنند، به احساسات خود اثر ببخشند و براساس اراده و اختیار گسترده ای در مناسبات اجتماعی عمل نمایند. مجال های پیش گفته باعث شده است اختلاف انظار بالقوه انسانی، که در همه ادوار تاریخ به طور طبیعی با فراز و نشیب های نسبی جریان داشته، امروز به سختی قابل کنترل باشد و گاه نیز بتواند در جوامع انسانی پیامدها و آثار شدیدی داشته باشد (ظهری، ۱۳۸۷، ۳۵ و ۳۶).

استاد مطهری رحمته الله علیه، در بیانی منطقی و مستدل، میان همکاری و همدلی تمایز و تفکیک قائل می شود و منافع مشترک یا مصالح دیگر را عامل همکاری میان انسان ها با وجود تراحم، تضاد و اختلاف می داند، اما فقط یک چیز را عامل اتحاد می شناسد و آن ایمان الهی است. عالمان شیعه باید عنایت ویژه داشته باشند که همین عامل اتحاد و همدلی تبدیل به عامل تفرقه و جدایی نشود. استاد مطهری رحمته الله علیه در تبیین عامل اتحاد میان انسان ها به این مطلب اشاره می کند که

گاهی عواملی در انسان پیدا می‌شود که واقعاً انسان‌ها را متفق می‌کند، نه فقط همکار می‌کند، بلکه همروح و همدل می‌کند، و همدلی ما فوق همکاری است، مافوق همزبانی است؛ یعنی طوری می‌شود که هر فردی دربارهٔ سرنوشت فرد دیگر آن اندازه می‌اندیشد که دربارهٔ سرنوشت خود می‌اندیشد، او را همان قدر دوست می‌دارد که خودش را دوست می‌دارد و بلکه بیشتر، دیگری را بر خودش مقدم می‌دارد (مطهری، ب، ۱۳۷۵، ۱۷۱). این حالت روحی و ایمانی همان چیزی است که به جامعهٔ شیعه هویت یکپارچه می‌دهد. استاد مطهری رحمته‌الله به آیهٔ نهم سورهٔ حشر اشاره کرده و می‌فرماید «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ یعنی دیگران را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان در فقر و تنگدستی باشند. این یک مسألهٔ دیگری است. گاهی افرادی با یکدیگر همکاری می‌کنند ولی همروح نمی‌باشند. همروحی بستگی دارد به این که در روح افراد، یک عاطفه‌ای پیدا بشود که به موجب آن عاطفهٔ افراد خودشان را یکی ببینند، عضو یک پیکر ببینند، این عاطفه گاهی عواطف به اصطلاح ملی است، مثل هم‌وطنی، هم‌زبانی و هم‌نژادی، که تا اندازه‌ای روحیه را با یکدیگر یکی می‌کند، ولی نه خیلی زیاد. آن عاملی که واقعاً افراد را همروح می‌کند ایمان الهی است. هرگز تاریخ جهان اتحادی را که در میان هم‌دین‌ها و هم‌ایمان‌ها بوده است، در میان گروه‌های دیگر نشان نداده است (همان، ۱۷۳).

معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام باید عامل هویت‌بخش گروهی شیعه؛ فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام باید عامل وحدت‌بخش شیعه؛ و محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام باید عامل همدلی شیعیان باشد. لذا جریان‌های تحت عنوان شیعه که همچون جریان تکفیری و سلفی بر طبل تکفیر و اختلاف می‌کوبند، نه از معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نصیبی برده‌اند، نه از فرهنگ و محبت حقیقی اهل‌بیت علیهم‌السلام.

نباید اصول تشیع، که عامل وحدت جامعهٔ شیعیان می‌باشد را تبدیل به ابزاری برای ایجاد شکاف‌های اجتماعی کنیم، بلکه به جای آن باید با جدیت به دنبال

تربیت نیروهای متخصص و آگاه و مسلح به سلاح منطق و عقلانیت بوده و با توجه به توسعه روزافزون فعالیت‌های فرقه‌ای قدیم و جدید و گسترش شبهات در گروه‌های هدف این جریان‌ها، که اغلب از تخصص و آگاهی کافی و کیفی در باورها و ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی خود برخوردار نیستند، با تجمیع ظرفیت‌های درونی تخصصی خودمان و تزریق این ظرفیت به گروه‌های هدف جریان‌ها و فرق انحرافی، مانعی جدی در رسیدن آنها به اهدافشان باشیم.

نکته دیگر این که عامل اختلاف می‌تواند از قبیل برداشت‌های کلامی و فلسفی نبوده و ماهیت فقهی داشته باشد و تبعات اجتماعی فراوانی را به وجود آورد (ر.ک: ابوطالبی، ۱۳۹۰، ۱۱۲-۱۱۷). امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی، اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است، قول یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود؛ از اختلاف اخباری‌ها و اصولی‌ها بگذریم ... مهم‌تر از همه این‌ها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه [است] ... که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است ... طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظارت اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف، ولو مخالف با یکدیگر، آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد، ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است، که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند ... تا زمانی که اختلاف و موضع‌گیری‌ها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف باشد، صرفاً سیاسی است، ولو این که شکل عقیدتی به آن داده شود، همه در اصول با هم مشترکند و به همین

خاطر است که من آنها را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است» (صحیفه نور، ۱۷۷/۲۱-۱۷۸).

اکنون که عامل هویت‌دهنده جمعی و مؤلفه مصونیت بخش ما در مقابل هجمه شبهات اعتقادی در منطقه، اصول تشیع است، باید به جای کوفتن بر طبل تفرقه و استفاده از تکفیر به دنبال تثبیت باورها، هنجارها و ارزش‌های موجود در فرهنگ متعالی اهل بیت علیهم‌السلام باشیم و همین عامل هویت‌ساز و مصونیت بخش جامعه شیعی در مقابل تهدیدهای جریان‌های تکفیری و سلفی را از درون متلاشی نسازیم. مواردی که کوبیدن بر طبل آنها از شاخص‌های جریان‌هایی تحت عنوان شیعه است، که با محورهای ذیل به نوعی اختلاف خودشان با خط امام و رهبری را نمایان می‌سازند، عبارتند از:

۱. تأکید بر مطرح و پررنگ نمودن مسائل اختلافی میان شیعه و سنی در تریبون‌های علنی؛
۲. تأکید علنی بر لعن و سب بزرگان اهل سنت؛
۳. تأکید ویژه بر روش‌های غیر معمول به نام بزرگداشت شعائر حسینی علیهم‌السلام؛
۴. مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و اعتقاد به ظالمانه بودن نظام حاکم در ایران و نیز اظهار دشمنی با امام و رهبری؛
۵. اظهار مخالفت با مناسبت‌هایی همچون هفته وحدت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چالش‌های اعتقادی دو جنبه معرفتی و غیر معرفتی دارند. این چالش‌ها با توجه به ویژگی‌های جوامع امروزی به شدت استعداد تبدیل به بحران‌های اجتماعی را دارند. نوع مدیریت چالش‌های اعتقادی در بعد علمی و معرفتی با مدیریت همین چالش‌ها در سطوح غیر معرفتی در جامعه متمایز است و عدم تفکیک این دو نوع

مدیریت یک خطای راهبردی محسوب می‌شود. جهان تشیع نیز به لحاظ درونی از عوامل پیش‌گفته و چالش‌های اعتقادی و لذا از خطر بحران‌های اجتماعی مربوطه در امان نیست. سیاست وحدت شیعه و شیعه (یعنی وحدت عالمان مختلف کلامی، فلسفی، عرفانی و فقهی شیعه) از اولویت بالایی برخوردار است، و گرنه در صورت رشد عوامل غیر معرفتی در میان طرفداران هر یک از مشرب‌های فوق، جامعه شیعه دچار بحران شده و وحدت و یکپارچگی هویتی و همدلانه آن را از بین رفته و گسست‌های عمیق اجتماعی در آن ایجاد می‌گردد و چنین جامعه‌ای توان مقابله با چالش‌های اعتقادی جریان تکفیری در جهان فعلی را نخواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته این گونه نیست که این عوامل تأثیر و تأثیری در یکدیگر نداشته باشند، لکن بحث ما در این مقام ناظر به وجه تمایز و تفکیک این دو رویکرد است.
۲. افرادی که به لحاظ مسؤولیت خود ورود جدی در این مباحث دارند فراوان دیده‌اند که آماری یا گزارشی از سوی یک نهاد یا شخص دغدغه‌مند در این عرصه بیان می‌شود و همین آمار و گزارش از سوی مقام مسؤول دیگر به شدت غیر واقعی دانسته شده و رد می‌شود.
۳. هویت‌بخشی گروهی و فرقه‌ای رابطه مستقیمی با سرسختی روان‌شناختی دارد و تلاش جریان تکفیری در این زمینه به دلیل نیاز شدید آن به همین عامل (سرسختی روان‌شناختی) در سطح عوام پیروان خویش است. برای آشنایی با هویت مذهبی و سرسختی روان‌شناختی و رابطه آنها با سلامت روان (ر.ک: شاکری، ۱۳۸۹، ۲۰۷).
۴. درباره اهمیت گسست‌های اجتماعی و پیامدهای آن ر.ک: افتخاری، ۱۳۷۸، ۸۴-۱۱۳ و پژوهنده، ۱۳۸۷، ۱۰۳-۱۳۲.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. ابوطالبی، مهدی (۱۳۹۰)، «تحلیلی از اختلاف عملکرد آخوند خراسانی و شیخ نوری: اشتراک در مبانی، اختلاف در مصادیق»، زمانه، ش ۲۱ و ۲۲.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «انقلاب اسلامی و گسست‌های اجتماعی»، کتاب نقد، ش ۱۳.
۳. امام خمینی رحمته‌الله علیه (بی‌تا)، صحیفه نور، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۴. پژوهنده، محمد حسین (۱۳۸۷)، «اتحاد ملی و گسست اجتماعی، فرهنگی و سیاسی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۶۹.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۳)، «اختلاف ممدوح و اختلاف مذموم»، پاسدار اسلام، ش ۳۲.
۶. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳) در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28295>
۷. خومحمدی، سعید (۱۳۸۵)، «وحدت اسلامی یا وفاق تشیع و تسنن در سخنان امام علی (علیه السلام)»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۱۵ و ۱۶.
۸. شاکری نیا، ایرج (۱۳۸۹)، «رابطه هویت مذهبی، نگرش مذهبی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روان در معتکفان»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۷.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. ظهیری، سید مجید (۱۳۸۷)، «پدیده اختلاف و کارکرد احزاب»، اندیشه حوزه، سال چهاردهم، ش دوم.
۱۱. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱)، «دین و نقش آن در پیش‌گیری و رفع اختلافات اجتماعی از منظر قرآن»، معرفت، ش ۱۷۳.
۱۲. فخلعی، محمد تقی و توکلیان اکبری، محمود (۱۳۹۲)، «اندیشه تکفیری در بستر تاریخ، ریشه‌ها و راه‌های علاج آن، مطالعات اسلامی (تاریخ و فرهنگ)»، ش ۹۱.
۱۳. مشکوة‌الدینی، عبدالمحسن (۱۳۵۱)، «اختلاف روش‌های فکری در اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۳۰.
۱۴. مطهری، مرتضی، الف (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، صدرا.
۱۵. -----، ب (۱۳۷۵)، آشنایی با قرآن، ج ۳، تهران، صدرا.